فرهیختگان

www.farheekhtegan.ir

دوره جدید
شماره ۱۴۵۵
شماره مسلسل ۲۱۹۳
شنبه اول شهریور ۱۳۹۳
۲۶ شوال ۱۴۳۵
۲۳ آگوست ۲۰۱۴

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی
مدیرمسوول: احسان مازندرانی
سردبیر: مهران کرمی
نشانی: خیابان حافظ - بعد از پل دوم حافظ - روبه‌روی ساختمان بورس - ساختمان فرهیختگان - طبقه سوم
تحریریه: ۱۸۲- ۶۶۷۶۰۱۸۰ نمابر: ۶۶۷۶۰۵۰۱ - ۶۶۷۲۶۰۴۷

الو فرهیختگان: ۶۶۳۴۸۰۱۹
دفتر مدیرمسوول: ۶۶۳۴۸۰۱۶
سازمان آگهی‌ها: ۴۶-۶۶۳۴۸۰۴۵
پیامک روزنامه: ۱۰۰۰۰۱۳۸۸۲۳۰
چاپ: سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی
توزیع: پیام رسان پیروز

امروز: غروب خورشید: ۱۹:۴۴ ■ اذان مغرب: ۲۰:۰۳ ■ نیمه شب شرعی: ۰۰:۲۲ ■ فردا: اذان صبح: ۵:۰۰ ■ طلوع آفتاب: ۶:۳۰ ■ اذان ظهر: ۱۳:۰۷

ساعت بازی

روح کارآگاه در جست‌وجوی قاتل

سالار تیموری

بازی «مقتول: روح مجرم» (Murdered: Soul Suspect) ساخته شرکت «اسکوار انیکس» (Square Enix) را می‌توان در ژانر داستان‌ها و فیلم‌های تخیلی جا داد که براساس بازگشت روح مردگان شکل می‌گیرند. داستان این بازی اکشن از این قرار است که یک کارآگاه جوان، مرموز، شکاک و کاملا حرفه‌ای به نام رونان اوکانر، در حال تحقیق روی یک پرونده است که یک قاتل زنجیره‌ای او را به قتل می‌رساند. از اینجای داستان این روح اوکانر است که به دنیا بازگشته و درحال تحقیق روی پرونده و جست‌وجو برای پیدا کردن قاتل است.

شما در گیم‌پلی بازی در واقع کنترل روح رونان را در دست دارید و باید به نمایندگی از او به دنبال جواب سوال‌ها بروید و قاتل را پیدا کنید.

گیم‌پلی M:SS سرگرم کننده نیست و به زودی رنگ می‌بازد. مبارزات فقط جهت تلف کردن وقت و طولانی‌تر شدن بازی طراحی شده‌اند و بخش اصلی گیم‌پلی روی پیدا کردن سرنخ برای یافتن قاتل متمرکز شده است. بازی کننده با معماهایی چالش‌برانگیز روبه‌رو نمی‌شود و حل کردن معماها کاری بدون دردسر است. همچنین در طول بازی، بازی کننده باید به سوالاتی پاسخ دهد که با حدس و گمان حل می‌شوند. یکی از قسمت‌های جالب در گیم‌پلی بازی شاید این باشد که شما می‌توانید جسم افراد زنده را تسخیر کنید و وارد بدن آنها شوید، اما این به آن معنا نیست که شما آزادی عمل دارید. محیط بازی نسبتا بسته و مناطق غیرقابل ورود با دیوارهایی آبی‌رنگ طراحی شده است. نکته عجیب دیگر، نبود نقشه است. درست است که مناطق بازی گسترده نیستند، اما نبود نقشه موجب گم شدن بازی کننده و پیمودن مسیر اشتباه از سوی او می‌شود.

در طول بازی، بازی کننده با معماهای کوچک و بی‌اهمیتی نیز مواجه می‌شود که با توجه با گیم‌پلی کوتاه بازی، حل کردن این معماها توصیه می‌شود هرچند که تاثیر بسزایی در طول بازی ندارند. یکی از فاکتورهای مهم و قابل توجه این بازی قابلیت مخفی کاری آن است. در طول بازی، رونان با هیولاهایی مواجه می‌شود که یکی از بهترین راه‌ها برای رهایی یافتن از دست آنها استفاده از مخفی کاری است.

با وجود اینکه موتور گرافیکی Unreal Engine 3، موتوری بسیار قدرتمند است اما نتوانست در M:SS موفق شود. هرچند در نمایش‌های پیش از عرضه، مخاطبان با گرافیکی بسیار خوب مواجه شدند اما هنگام عرضه، کاملا ورق برگشت. کیفیت بافت‌های استفاده شده در شخصیت‌های اصلی و قسمت‌های سینماتیک هم از نکات مثبت بازی است. به‌طور کلی به نظر می‌رسد این بازی فقط توانسته از بُعد داستان موفق باشد و در سایر گزینه‌ها مثل گیم‌پلی و گرافیک قسمت‌های سینماتیک داخل بازی و... زیاد موفق نبوده است. قطعا اگر Airtight Games در ساخت بازی دقت و حوصله بیشتری به خرج می‌داد، می‌توانست بازی «مقتول: روح مجرم» مثل راک استار گیمز (سازنده و خالق سری‌های GTA) شاهکاری همچون L. A Noire بسازد، اما همین حالا هم M:SS ارزش یک‌بار تجربه کردن را دارد. این بازی سوم ژوئن سال ۲۰۱۴ وارد بازار شده است.

اردوی خانوادگی دروازه‌بان

فرهیختگان: خانواده نهادی مهم در همه فرهنگ‌هاست، اما این روزها گاهی مشغله‌ها و گرفتاری‌ها آنقدر زیاد هستند که فرصت حضور در کانون خانواده آن‌گونه که باید فراهم نمی‌شود. با این همه و در همین روزگار شلوغ و پردردسر هم، در گوشه‌ای از دنیا اتفاق جالبی افتاده است. به گزارش واشنگتن‌پست، تیم هاوارد، دروازه‌بان تیم ملی آمریکا که تابستان امسال در جام جهانی برزیل خوش درخشید، روز پنجشنبه اعلام کرد تا پاییز سال آینده در تیم ملی بازی نخواهد کرد. دروازه‌بان ۳۵ ساله اورتون انگلستان، پس از ۱۲ سال بازی برای تیم ملی آمریکا گفت که در تعطیلات بین‌المللی در برنامه لیگ انگلیس، می‌خواهد زمان بیشتری را با دو فرزندش بگذراند. هاوارد در ادامه متنی که در فیس‌بوکش منتشر کرده، نوشته است: پس از سال‌ها بازی کردن حالا می‌خواهم وقتم را با خانواده‌ام بگذرانم و به نظرم الان این مهم‌ترین موضوع در زندگی من است. من متوجه هستم که وقتی برگشتم باید برای پس گرفتن پستم تلاش کنم و همه تلاشم را هم خواهم کرد. از لحاظ فیزیکی احساس می‌کنم از همیشه قدرتمندتر هستم و الان قلب، ذهن و تمام بدنم آماده همراهی تیم ملی تا جام جهانی بعدی است. پیش‌بینی وضعیت چهار سال آینده بسیار سخت است ولی می‌دانم تصمیمی که امروز گرفته‌ام درست است.

یورگن کلینزمن، سرمربی تیم ملی آمریکا به این تصمیم هاوارد احترام گذاشته و در این‌باره گفته است: من کاملا او را درک می‌کنم. او هر موقع آمادگی‌اش را داشته باشد، تیم ملی با آغوش باز پذیرایش خواهد بود ولی پیش از آن باید توانایی‌هایش را برای بازگشت ثابت کند. رفتن او همچنین به ما این فرصت را می‌دهد تا برد گازان و نیک ریماندو را برای جانشینی او مورد آزمایش قرار دهیم. در کل هر وقت کسی از تیمی می‌رود جا را برای استعدادهای بعدی خالی می‌کند. هاوارد همچنین از روبرتو مارتینز، سرمربی اورتون اجازه گرفته تا در تعطیلات لیگ جزیره به ممفیس، جایی که بچه‌هایش زندگی می‌کنند، برود.

این تصمیم دروازه‌بان آمریکایی حسابی همه را شوکه کرد، چراکه بسیاری از پدرها و مادرها به‌خصوص آنهایی که هر دو شاغل هستند و زمان بسیاری را صرف کار در خارج از خانه می‌کنند، همواره این احساس منفی یا بهتر بگوییم این احساس گناه را به دوش می‌کشند که زمان کافی را به فرزندان خود اختصاص نمی‌دهند. آنها عمدتا طی هفته از کودکان خود بسیار فاصله داشته و احتمالا تنها رابطه نزدیک و تنگاتنگ آنها با یکدیگر بر سر سفره یا سر میز غذاست و تنها آخر هفته‌هاست که می‌توانند وقت بیشتری صرف یکدیگر کنند. اما باز هم با دانستن این موضوع نمی‌توانند اندکی کارشان را کم کرده یا حتی با یک مرخصی چندروزه کمی بیشتر به خانواده‌شان بپردازند. این یکی از بزرگ‌ترین مسائلی است که این روزها در تمام دنیا برای اکثر خانواده‌ها اتفاق می‌افتد و حالا با دیدن یک ستاره فوتبال که حاضر است برای خانواده مسئولیت‌های کاری‌اش را به خطر بیندازد، شاید بد نباشد که بقیه هم به دنبال راهکاری برای گذراندن وقت بیشتر با فرزندان و خانواده‌شان باشند.

جکی چان: پدر خوبی نبودم

جکی چان، ستاره فیلم‌های رزمی جهان به‌خاطر تخلف و دستگیری پسرش از مردم عذرخواهی کرده است.

روزنامه «بیجینگ تایمز» دوشنبه هفته گذشته اعلام کرد نیروهای امنیتی چین «لیسی چان» پسر جکی چان ستاره فیلم‌های رزمی جهان را به جرم قاچاق مواد مخدر دستگیر کردند. چند روز پس از آن بود که این ستاره فیلم‌های رزمی، دستگیری پسرش را ناشی از مصرف ماری جوانا دانست و از مردم بابت این تخلف فرزندش عذرخواهی کرد. او در صفحه «وی بوی» که یک شبکه اجتماعی چینی است، نوشت: زمانی که متوجه شدم لیسی چان، پسرم، چنین کاری انجام داده است، بسیار عصبانی و مبهوت شدم. من به‌عنوان یک چهره مردمی بسیار شرمنده‌ام. همچنین به‌عنوان یک پدر از این بابت بسیار تاسف می‌خورم. به گزارش ایرنا به نقل از رادیو بین‌المللی چین، جکی اظهار امیدواری کرد جوانان با عبرت گرفتن از لیسی چان، از مواد مخدر دور شوند. او گفت: در تربیت پسرم موفق نبودم و مسئولیت آن را نیز برعهده می‌گیرم، همچنین به اتفاق پسرم از مردم عذرخواهی می‌کنم.

دارکوب‌ها در پاییز می‌آیند

گروه دارکوب قرار است آلبوم جدیدشان را پاییز امسال روانه بازار موسیقی کند. این آلبوم در مراحل نهایی قرار داد و آنها در تدارک و برنامه‌ریزی برای انتشار آن هستند. همایون نصیری، نوازنده و سرپرست گروه دارکوب به هنرآنلاین، گفت: هنوز عنوان اصلی این اثر موسیقایی مشخص نشده است. در این اثر علی زندوکیلی به‌عنوان خواننده حضور دارد که رضا کولقانی خواننده بندرعباسی نیز در بعضی قطعات با گروه دارکوب همکاری کرده است. نصیری درباره کنسرت گروه دارکوب نیز تاکید کرد: این گروه بعد از محرم و صفر در تهران و شهرستان‌ها روی صحنه می‌رود که قرار است در این کنسرت‌ها با رپرتوار جدید به اجرای برنامه بپردازیم.

سرپرست گروه دارکوب افزود: در این کنسرت‌ها قطعات جدیدی برای مخاطبان اجرا می‌شود و بخشی از آن هم به اجرای قطعاتی از آلبوم‌های لیوا، دارکوب و... اختصاص دارد. پویا نیک‌پور، دارا دارایی، پیام رونقی، آرش مقدم، کوروش بابایی، بهرام آقا خان و... از اعضا و نوازندگان این گروه هستند.

رستوران‌های بین کلمه‌ای

مایکل گیبنی، نویسنده و سرآشپز آمریکایی، در مقاله‌ای بهترین رستوران‌ها و کافه‌هایی را که نام‌شان در رمان‌های ادبیات مدرن آمده، معرفی کرده است. به گزارش ایبنا به نقل از گاردین، گیبنی می‌نویسد: شخصیت‌های داستانی معمولا درگیر فعالیت‌های جذاب می‌شوند و در آشپزخانه‌ها ممکن است هر چیزی که برای یک داستان فوق‌العاده نیاز داریم، پیدا شود. عشق و شور، آرمان و تخیل، انرژی و خستگی، پیروزی و شکست، دشمنی و محبت و بسیاری چیزهای دیگر. قرن‌هاست هنرمندان در همه حوزه‌ها از این موضوع که بسیار جای کار دارد، بهره گرفته‌اند. با نگاهی به کتاب‌ها می‌توان دید که چگونه نویسندگان برای کامل کردن جهان کتاب‌هایشان به این درونمایه رجوع می‌کنند.

او می‌گوید: هنگامی که کتاب «Sous Chef» (تعبیر من از یک روز زندگی یک آشپز حرفه‌ای) را می‌نوشتم، ساده‌لوحانه تصور می‌کردم کار جدیدی انجام می‌دهم. فکر می‌کردم فقط من توانسته‌ام گوهرهای پنهان در حرفه خود را ببینم و فقط من در حال نوشتن داستانی بودم که در آشپزخانه اتفاق می‌افتد، ولی خیلی زود فهمیدم که اشتباه می‌کردم. از این رستوران‌ها و کافه‌های زیبا با تفاوت‌های جزئی در ادبیات مدرن فراوان بودند. درواقع من فقط حرف خودم را به گفت‌وگویی که مدت‌هاست آغازشده، اضافه کرده بودم.

براساس نوشته او برخی رستوران‌ها و کافه‌هایی که نویسندگان درباره آنها در رمان‌های خود صحبت کرده‌اند، عبارت‌اند از: هتل ایکس در رمان «آس و پاس‌ها در پاریس و لندن» نوشته جورج اورول، دینگو در رمان «عیش مدام» نوشته ارنست همینگوی، میلی ویز در رمان «رستورانی در انتهای جهان» نوشته داگلاس آدامز، فارولیتو در رمان «پایین کوه آتش‌فشان» نوشته مالکوم لوری، استراحتگاه رانندگان تاکسی در پایین پل لوپ لاین در رمان «اولیس» نوشته جیمز جویس، باشگاه لانتننگو در رمان «دیدار در سامرا» نوشته جان اوهارا، اوکانلز در رمان «دندان‌های سپید» نوشته زادی اسمیت، باشگاه بیلیارد چارلی بث‌سلار در رمان «اشتاد لونیگان» نوشته جیمز تی. فارل، کافه کورووا در رمان «پرتقال کوکی» نوشته آنتونی برگس و دورسیا در رمان «روانی آمریکایی» نوشته برت ایستون آلیس.

عکس خانه

همواره با زمین

عکس‌ها: پوریا پاکیزه، ایسنا

برای آن دسته از مردمی که از راه کشاورزی روزگار می‌گذرانند، کار در مزارع و کشتزارها، تنها شغل برای مردان نیست. زندگی کشاورزی، شیوه‌ای از زیست روستایی است که اغلب تمام خانواده؛ از کودکان شش ساله تا پیران ۶۰ ساله در آن حضور دارند. آنها از کودکی با زمین و دشواری‌هایش آشنا می‌شوند و تا آنجا که جسم‌شان توان دارد، با حضور در مزارع، به جنگ با این سختی‌ها می‌روند. عکس‌ها حضور کودکان و سالمندان را در مزارع همدان نشان می‌دهد.

کلام معصوم(ع)

امام صادق (ع):
آسایش دل را جست‌وجو کردم و آن را در کمی مال و ثروت یافتم.

در غیاب داستان

محسن فرجی

تنها صدا نیست که می‌ماند

شهرت، تیغ دو دم است؛ از یک سوی افتخار و لذت شناخته‌شدن و بر صدر هر مجلس نشستن را دارد و از سوی دیگر دست و پنجه نرم کردن با شایعه‌ها و شائبه‌هایی که در مورد حواشی زندگی شخص مشهور می‌سازند. البته بسیاری از این شایعه‌ها زودگذرند و با پیدا شدن سوژه‌های تازه برای آنها که دنبال اخبار پشت صحنه می‌گردند، رنگ می‌بازند و فراموش می‌شوند. اما برخی از این حرف و حدیث‌ها آنقدر در جامعه‌ای که شفاهی است و نیازی به مراجعه به متن مکتوب و مستند نمی‌بیند، جدی گرفته می‌شود که شکل واقعیت به خود می‌گیرد. حال اگر منشاء شایعه‌پراکنی هم خودش آدم مشهوری باشد که دیگر حرفش زودتر در اذهان عموم، واقعی می‌نماید و حقیقتی مسلم فرض می‌شود. همه ما از پدران و دوستان و اهالی ادبیات شنیده‌ایم که حکیم بزرگ طوس، فردوسی، برای سرودن شاهنامه از شاه‌محمود غزنوی صله می‌گرفته و چون محمود در معامله تقلب می‌کند و به اصطلاح امروزی‌ها زیرش می‌زند، فردوسی هم به هجو او می‌پردازد و باقی قضایا.

اما همان‌طور که گفتم، همه ما اینها را «شنیده‌ایم» و این شنیده‌ها اینقدر به شکل متواتر تکرار شده که دربست باورش کرده‌ایم و حتی دیگر فکرش را هم نکرده‌ایم که به دنبال حقیقت ماجرا برویم. ولی حالا کتاب ارجمند «شاهنامه» به کوشش محمد دبیرسیاقی درآمده و این پیر عرصه پژوهشگری با سند و مدرک ثابت می‌کند که همه چیزهایی که ما تا به حال به‌عنوان حقیقتی انکارناپذیر در مورد فردوسی و نحوه سرودن شاهنامه‌اش می‌پنداشته‌ایم، به تمامی نادرست بوده است. او در مقدمه این شاهنامه پاکیزه و پالوده‌ای که فراهم کرده است، می‌نویسد: «فردوسی برخلاف تمام افسانه‌های شایع و نوشته‌های تذکره‌نویسان نه به دستور محمود به نظم شاهنامه پرداخت، نهَ با او قرارداد بستَ که برابرِ هر بیتی دیناری زر بگیرد، نه کتابَ را به غزنین بُرد، نه محمود به جای ۶۰ هزار دینار زر، ۶۰ هزار سکه سیم برای او فرستاد، نه به غزنین رفت تا از آنجا بگریزد، نه به قهستان و سپس طبرستان رفت و نه به اصفهان و بغداد که مداحی خلیفه کند و بعد روانه دهلی شود و از امیر آنجا اسب و خلعت بستاند، نه به سبب محرومیت از صله محمود هجونامه ساخت و نه در غربت مُرد...»

می‌بینید که با خواندن این متن، بنای مستحکمی که در ذهن از فردوسی و کردار و روزگارش ساخته بودیم، در یک لحظه پوشالی می‌شود و می‌ریزد. چون حالا شاهنامه‌پژوهی که عمری بلند بر سر این راه گذاشته، بدون اتکا به شنیده‌ها و شایعه‌ها و با استناد به تاریخ و متون کهن، حقیقت را از میان دروغ‌ها و شائبه‌ها بیرون کشیده است.

البته این تنها موردی نیست که داشته‌ها و دانسته‌های ما بر مبنای اطلاعات و حرف‌های شفاهی شکل می‌بندد و به صورت حقیقتی پذیرفته‌شده درمی‌آید. اما این مورد، خیلی اندوهمندانه است، چون نشان می‌دهد شاعر ملی خود و بزرگ‌ترین حماسه‌سرای ایران را چقدر کم و اشتباه می‌شناسیم. ماجراهای طلاق و ازدواج و بچه‌دار شدن هنرپیشه‌ها و ورزشکارها، چه راست باشد، چه دروغ، کف روی آب است و به سرعت از یادها می‌رود. اما وقتی فردوسی را نمی‌شناسیم اشتباهات مسلمی را که به شکل شفاهی دریافت کرده‌ایم به همین شکل شفاهی هم به آیندگان منتقل می‌کنیم. فراموش نکنیم که به قول استاد عرصه ارتباطات، نیل پستمن: «کودکان پیام‌های زنده‌ای هستند که برای آیندگان ارسال می‌کنیم؛ آیندگانی که هرگز آنها را نمی‌بینیم.»

ای کاش مراقب باشیم که کودکان را با پیام‌های اشتباه روانه آینده نکنیم و حقیقت را دستخوش شایعات و حرف‌های بی‌سند به آنها نسپاریم تا آنها هم به همین طریق آن را به آیندگان منتقل کنند.